

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: رساله در اصول دین

مؤلف متن .... محشی ....

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر .... نوع خط: نستعلیق و نسخ .... تعداد سطر: ۱۵

جزء کتب: اصول .... زبان: فارسی و عربی .... عدد اوراق: ۷۰

طول: ۱۹ .... عرض: ۱۱ .... شماره عمومی: ۲۶۱۱۲

وقفی / خریداری .... تاریخ وقف / خریداری ....

ملاحظات: نسخه دارای حواشی به زبان عربی در موضوع فقه ... آخر ... عیب ...

جامع الأخبار شیخ صدوق در حاشیه نسخه است

اندازهٔ نوشته‌ها: ۱۲٫۵ × ۹

مجموعة اصول عقاید و جامع الاخبار
فارسی و عربی

موضوع: کلام، اعتقادات، اخبار

مؤلف: منسوب است به شیخ صدوق ابن بابویه

آغاز: بعد از بسمله بدان اهداک الله که چون آدمی قابل علم است

انجام: اول قوله هذا و استغفر الله لی ولکم قال ولم یزل...

اندازه (۱۵) ۱۱×۱۹ برگ (۷۸)

خط نستعلیق و نسخ کاغذ فرنگی جلد تیماجی

نسخه ایست جاب کتاب جامع الاخبار را در حاشیه بعربی

و رساله اصول عقاید را در متن بفارسی نوشته اند

عناوین و فصول را با شنگرف تحریر نموده در ظهر

اوراق اول و آخر فهرست جامع الاخبار و مطالب

متفرقه یاد داشت کرده اند

ربّنا انّك اتيت الباغين على
قوّة وكثرة ربّنا ليبغوا على ربّنا
اطمس على اموالهم واشدد على
قلوبهم وضعف مددهم وقلّل
عددهم وافرّهم [illegible]
[illegible]

الحمد لله الذى نزّل الفرقان على
عبده ليكون للعالمين نذيرا
والصّلوة على محمّد
ضياء وقمراً منيرا

ثم بين لهم ما نزّل عليهم
حسب ما عنّ لهم من مصالحهم

ثم بين لهم ما عن لهم حسب مصالحهم

لان يجود علينا

٣	جزء [illegible]	[illegible]	[illegible]
٢٥	[illegible]	[illegible]	[illegible]
١	سركار	صاحب اختيار الواقعى	[illegible]
١٥	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بسم الله [illegible]

قیل ان عالما من اهل التصوف کتب بعض ... حدیث وحکمة
... امیر المؤمنین علیه السلام اختار من الاخبار
ثم اختار منها اربع کلمات ... واعمل لله بقدر
فی البحار ... بقدر حاجتک الیه واعمل لدنیاک بقدر مقامک فیها
... علی عقوبته
واعمل للجنة بقدر شوقک الیها قال امیر المؤمنین علیه السلام
لا وجع اوجع للقلوب من الذنوب ولا خوف
اشد من الموت وکفی بما سلف تفکرا وکفی بالموت واعظا

تولد نور چشمی ام محمد علی در یوم ... در شب ... شهر شوال المکرم ... در عصر پادشاهی ... [illegible]

تولد نور چشمی ام رضیعی طول عمره
در شب جمعه یازدهم شهر رجب المرجب
در عصر پادشاهی محمد شاه قاجار
[illegible] سنه ۱۲۶۰

تولد نور چشم ام عبدالله طول الله عمره
در شب سه شنبه ... شهر رجب المرجب
سنه ۱۲۶۳

بسم الله الرحمن الرحیم

بدان ایدک الله که چون آدمی قابل علم و مکلفات باصول
دین و فروع لنز بعقل و نقل و موقوف است باول پس باید
که او اول بداند ولنز چهار است ولهذا این رساله مرتب شد بر چهار
باب باب اول در اثبات واجب الوجود که حق تعالی است
وصفات ثبوتیه و سلبیه او و در این باب چند فصل است
فصل اول در بیان اثبات واجب الوجود و شناخت خدای
تعالی و دانستن به یقین و اعتقاد ثابت جازم مطابق
واقع کردن باینکه الله تعالی موجود است و هست یعنی باید که
نزد مکلف بودن خدای تعالی بنوعی ظاهر باشد که اصلا احتمال
نبودن نداشته باشد مثل بودن خورشید و چیزهای که شک
در وجود آنها ندارد خواه این دانش او از دلیل حاصل
شده باشد و خواه از غیر دلیل و دلیل برین بسیار است و ظاهر
ترین ادله آنست که معلوم است پیش هر عاقلی که چیزی موجود است
و هست مثل خورشید و زمین و آسمان و مانند آنها

و اگر خدای تعالی نعوذ بالله موجود نباشد لازم می آید که هیچ چیز موجود
نباشد زیرا که هر چیز که موجود است واجب بر وی نیست
از آنکه با بوجود خود یعنی پیدا کننده موجود و پیدا شدن بلکه
محتاج است به پیدا کننده که اورا موجود سازد و پیدا کند
مانند افعال ما چون کتابت کردن و خانه ساختن و غیر آن
از صنعتها دیگر بلکه آدمی خود نیز چه معلوم است که اگر پدر
نباشد پسر پیدا نمیشود و این قسم را ممکن الوجود میگویند
یا آنکه بوجود خود موجود است و احتیاج ندارد به پیدا
کننده که اورا پیدا کند و همیشه بوده و میباشد و هستی
و بودن از او جدا نمیشود و این قسم را واجب الوجود
میگویند و عرب اورا الله میگویند و عجم خدای و گفته اند
که در اصل خدای است یعنی خود آمده و در وجود و پیدا
شدن خود محتاج بغیر نیست که اورا پیدا کند پس اگر
خدای تعالی نبودی هیچ چیز نبودی زیرا که معلوم شد که
موجودات که غیر خدا است بخود موجود نمیشود و بغیر موجود

میشود و این غیر وجود دهنده میباید که موجود باشد چه معلوم است که تا چیزی
موجود نباشد چیزی را وجود نمیتواند داد و پیدا کرد و مثال واضح آنکه
چنانچه در خانه میبینیم چراغ بسیار روشن شده است و دانیم که روشنی
اینها از خود نیست و از چیزی که روشنی نباشد نیست
پس یقین میکنیم که چراغی غیر از این چراغها هست که اینها
همه از آن چراغ روشن شده‌اند و آن میباید که مانند اینها
از جای دیگر روشن نشده باشد بلکه روشنی آن از خودش باشد
و اما که اگر این نیز مانند اینها باشد چراغ در خانه پیدا نبود
و این روشن است و هر که را اندک عقلی هست این معنی او را
یقین میشود بنوعی که اصلا احتمال غیر این نمیدهد مجملا بودن
خدای تعالی جل جلاله ظاهر است و احتیاج بدلیل ندارد و میتواند
بود که این یکی معنی من عرف نفسه فقد عرف ربه باشد یعنی
هر که آن مقدار عقل دارد که علم بوجود خود پیدا کند و داند
که هست بیقین و شک در وجود خود نکند علم بوجود خدای تعالی
پیدا میکند بی شک

بی شک و بعضی دیگر آنکه وجود و هستی خود را دلیل وجود و هستی خدای تعالی
سازد و از آن مشتق شود بین چه هرگاه خود را موجود و
محتاج و یقین داند که او و همچنین هر چیز که مثل او باشد در هستی
خود محتاجند بغیر و بخودی خود پیدا نمیشوند یقین میداند که پیدا
کننده هست غیر اینها و تفصیلش همانست که سابق مذکور شد
و بعضی دیگر آنکه هرگاه بنده اینقدر که خود را شناخت با اختیار
و با سبب و خاطرش میرسد و می‌یابد که خدای تعالی هست

فصل دوم

در بیان صفات ثبوتیه یعنی صفتهائی که لایق باشد که خدای تعالی بآن موصوف باشد و آن هشت است

اول آنکه خدای تعالی قادر مختار است یعنی افعال از و صادر
میشود و چیزها پیدا میکند باراده و خواهش خود و صحیح است
از و فعل و ترک یعنی میخواهد فعل را پس میکند و میخواهد ترک فعل را
پس نمیکند و موجب نیست یعنی در کردن فعل بی اختیار نیست
مانند آتش که بی اختیار چیزی را میسوزاند و قدرت بر ترک سوختن
نداده و مانند کسی که مرض رعشه دارد و دست او همیشه میجنبد

زیرا که این صفت کمال است و نبودنش صفت نقص و عجز و این
هر دو بر خدای تعالی روا نیست ببدیهه عقل خصوصا که معلوم باشد
قدرت بعض از مخلوقات حق تعالی که این هنگام لازم آید که
حق تعالی زبون تر و پست تر از مخلوقات خود باشد و این بی معنی است
و همه مسلمانان بر آنند که او قادر مختار است و نقص بر او روا نیست
دیگر آنکه هر چه غیر خدای تعالی است حادث است یعنی نو است پس
پیدا شده و پیش از او چیزی دیگر بوده زیرا که معلوم است که وجود
هر موجود که غیر خدای تعالی است از غیر است پس غیر پیش از آن موجود
باشد پس خدای تعالی پیش از همه عالم که غیر خود است موجود باشد
پس عالم حادث باشد دیگر آنکه هر چیز که غیر خداست فانی شدنیست
میشود باجماع و نص مثل قول خدای تعالی کل شیء هالک الا
وجهه یعنی هر چیز که موجود است نابود شونده و برطرف شونده است
الا ذات خدای تعالی که باقیست و فانی نشود و مقرر شده نزد
علما که هر چه نابود و فانی شود حادث است پس عالم حادث باشد
و چون عالم حادث باشد پس پیدا کننده او که خدای تعالی است

قادر مختار باشد نه موجب چرا که مخلوق و اثر موجب هرگز از
موجب جدا نگردد چنانکه سوختن از آتش و چون خدای تعالی
حادث نیست بلکه همیشه بوده است پس موجب هم لازم بود
که مخلوقش حادث باشد دیگر آنکه چون معلوم شد بنص و اجماع
که غیر خدای تعالی فانی و نابود میشود و مخلوق غیر قادر مختار
از وجدا نمیشود لازم آید که خدای تعالی قادر مختار باشد دیگر
آنکه آیات و روایات برین که خدای تعالی قادر است بسیار است
مثل ان الله علی کل شیء قدیر و مانند آن و ازین
معلوم شد که خدای تعالی قادر است بر هر چیز یعنی بر هر چیزی که ممکن
باشد حاصل شدنش از خدای تعالی یعنی عقل قبول کند و روا
دارد صدور آن از خدای تعالی نه آنکه محال را مثل آنکه
در آرد آسمان و زمین را در سوراخ سوزن تا با آنکه آسمان
و زمین را کوچک گرداند و سوراخ سوزن را بزرگ دوم
آنکه خدای تعالی عالم است یعنی همه چیزها را میداند و هر چیز نزد
او حاضر است زیرا که جهل نقص است و نقص بر خدای تعالی